

مهدویت و موعودگرایی

جلسه ششم

موضوع: فرایند حاکم شدن حضرت بر جهان و اوصاف کارگزاران و اخلاق ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

گفته شد که حضرت به سیره جدشان رسول الله صلی الله علیه و آله حکومت می کنند و یا به سیره امیرالمومنین علیه السلام اصلا حکومت مهدوی جدا از حکومت نبوی و علوی نیست؛

ولی این نکته را باید توجه کرد که حضرت توجه دارند به اقتضائات زمان و مکان؛ یعنی در واقع حضرت آن حکومت را بومی می کنند برای زمان معاصر ...

در حکومت مهدوی ارزشها تخته بند زمان و مکان نیستند به این معنا که به این شکل نیست که زمانی تقوا و عمل صالح جزء ارزشها باشد و یک زمانی ضد ارزش باشد و یک زمانی محوریت پول و مقام و ریاست طلبی ضد ارزش باشد و یک زمانی ارزش باشد؛ یک زمانی ظلم و ستم ارزش باشد و یک زمانی ضد ارزش باشد. ارزشها و ضد ارزشها سالها قبل از پیامبر و بعد پیامبر عوض نمی شود.

اگر تغییری ایجاد شود شکلها و قالب ها ست

به هر حال این مطلب الزاما وجود ندارد که هر چه مثلا در زمانی ساری و جاری بوده در زمان حکومت مهدوی عینا اجرا شود. ما در جهان اسلام عده ای داریم که معتقدند که حتی شکلها و قالبها هم باید به سیره ماضی باشد. حضرت مدرن ترین و شکیلترین قالبها را خود خلق میکنند در حدیثی هست که زمانی که حضرت ظهور می کنند بشر دو پله از علم را طی کرده است؛ و علم بیست و هفت یا بیست و نه مرحله دارد که بقیه در زمان حکومت مهدی آشکار و ظاهر می شود.

یک جهش و انقلاب تکنولوژی رخ می دهد .

اشاره به جوان گرایی شد که ما این داستان را زمان پیامبر هم داریم . مصعب بن عمیر یک جوان است؛ حضرت اولین

فرمانداری که برای شهر بزرگ مکه انتخاب میکنند عتاب بن اسید که در واقع یک جوان است.

و گویا حضرت نگاه فرازمانی و فرامکانی که دارند به او می گویند اگر من کسی را بهتر از تو برای آنها سراغ داشتم قطعا او را انتخاب می کردم .

یعنی من آن ها را در نظر گرفتم و تو را هم در نظر گرفتم دیدم مناسبترین فرد برای این کار، توهستی.

لذا حضرت پیامبر جوان بیست و یک ساله ای را انتخاب میکنند برای این کار ...

مهم این نیست که شخص چه ویژگی هایی دارد ، مهم آن است که فرد برای جایی که ما ا و را در نظر گرفتیم مناسب باشد.

و نکته دیگر این که آیا مردم یک منطقه پذیرش دارند یا نه برای ورود شخصی یا نه ... لذا وقتی به پیامبر اعتراض کردند حضرت این جمله خالد را بیان فرمود:

لیس الاکبر هو الافضل بل الافضل هو الاکبر ...

و یا اسامه را که به عنوان فرمانده جیش انتخاب می کنند بیست سال بیشتر نداشته است. گر چه هفده و هیجده سال هم گفته اند.

عمر بن حزم را وقتی به یمن پیامبر می فرستند، هفده سال دارد.

در روایتی هست که : بیایعه من النجباء والابدال الاخيار کلهم شاب لا کهل فیهم ...

در روایتی هست که اصحاب مهدی جوان اند و پیر در بین آن ها کم ؛ مانند سرمه در چشم یا نمک در غذا ...

به هر حال جوان گرایی در حکومت مهدوی این طور خود را نشان میدهد .

سوال این است که شکل حکومت امام به چه قالبی خواهد بود؟ آیا دموکراسی است یا به شیوه دیگری است؟ یا این که آیرفاه

اقتصادی مردم تا چه حد مطمح نظر امام علیه السلام است؟

میدانید که در قرآن کریم این معنا بارها تکرار شده است .

و بارها در قرآن آمده است که اگر اهل زمین تقوا پیشه کنند و تقوا و صلاح و سداد را در پیش گیرند برکتهای د رزمین خواهد بود.

البته این را می توان با یک نگاه تعبدی نگاه کرد اما با یک محاسبه عقلی این نکته هم تایید می شود زیرا بسیاری از منابع که

بیهوده هدر می رود و یا از بین میرود همه و همه به خاطر عدم رعایت تقواست.

شما تصور کنید اگر در یک نظامی نخواهد هزینه های نظامی یا نیروی انتظامی داشته باشد و یا زندانها تعطیل باشد و یادادگاه ها

تعطیل باشد افراد خود خود را کنترل کنند و یا خود مردم در مسائل مشارکت داشته باشند . چقدر از این خرج ها کنا رمیرود و

این ها همه خرج رفاه و آبادانی می شود.

نیاز نیست که ما نسبت به این آیه یک نگاه تعبدی داشته باشیم که :

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را)

تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

به هر حال به لطف عدالت امام ، وضع به گونه ای می شود که طبق روایات مردم به دنبال مستمند می گردند که به او کمک

کنند اما چنین کسی را نمی یابند.

وقتی هر حقی سر جای خودش قرار بگیرد و کسی بیش از حق خود نگیرد، افراد به جایی میرسند که طبقات به هم نزدیک می

شوند انسان ها به جایی میرسند که به هم نیاز ندارند و در روایتی هست که حضرت از مردم می خواهند که کسی که نیازمند

است اعلام کند اما کسی ابراز و احساس نیاز نمی کند .

هنر حکومت مهدوی به این شکل نیست که رفاه بیاورد ؛ احساس رفاه را می آورد ؛ممکن است کسی امکانات کمی داشته باشد

ولی در همان وضعیت احساس خوبی از رفاه دارد.

زمین برکات خود را بیرون میریزد و این هزینه کردهای زیاد حذف می شود و انسان ها معنویت گرا می شوند.

در حکومت مهدوی حرص از بین می رود و کسی حق کسی را از بین نمی برد ؛

در کشور ما تعبیر توسعه را سعی می کنند به کار نبرند و تعبیر پیشرفت را به کار می برند . حضرت توسعه و رفاه را می آورد و

با دو بال مادی و معنوی کا را جلو می برند و این نیست که صرفا با بال محبت مسائل را مدیریت کنند .

این طور نیست که حضرت بیاید و بگوید زاهد باشید تارک دنیا باشید و یا ...

این گونه نیست که صرفا به معنویات توجه شود یا بالعکس

و این گونه نیست که مثل یهودیت همه چیز در مادیات خلاصه شود و یا بالعکس مثل مسیحیت همه چیز د ررد و زهد از دنیا

باشد.

حکومت مهدوی یک چشم به دنیا دارد و یک چشم به آخرت ...

ما به این شکل نیست که به دنیا آمده باشیم که فقط به دنیا بپردازیم یا فقط به آخرت توجه کنیم .باید تواما به هر دو بپردازیم.و

این جریان را از داستان مهدویت می توان برداشت کرد .

فایل pdf [کلیک کنید](#)